

چکیده پژوهش حق الله و حق الناس

شاید بتوان گفت انتخاب واژه‌ی «حق الناس» به معنی وجود رویکرد حقوق بشر در آموزه‌های دینی بوده، زیرا ملاحظه‌ی بستر و مفهوم حق الناس در فقه و مقایسه آن با تعاریف رایج و مصادیق مصرح در حقوق بین الملل بشر و توجه ویژه هر دو به کرامت انسانی به گونه‌ای است که، امروزه بسیاری از مصادیق حقوق بشر به عنوان یک حق شرعی و الهی نیز قابل توصیف است.

مفاهیم حق الله و حق الناس و بررسی آثار مترتب بر آنها در فقه اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد، اما در مقررات موضوعه، صرفاً پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی از این دو اصطلاح استفاده شده است و قانونگذار نیز هیچ‌گاه تعریفی دقیق از این دو اصطلاح ارائه نکرده و به ضابطه تفکیک هر یک از دیگری نپرداخته است. افزون بر این ابهام، ارتباط و ملازمه‌ی جرایم قابل گذشت با مصادیق حق الناس و رابطه جرایم غیر قابل گذشت با مصادیق حق الله نیز بر اهمیت این امر، بخصوص از زاویه موضوع‌شناسی افزوده است؛ زیرا مراجع قضایی برای شناخت مصادیق مربوط از ابزارهای مشخصی استفاده نمی‌کنند.

در این پژوهش، ضمن پرداختن به موضوع حق الله و حق الناس از نظر ماهوی، به معیارها و ضوابط فقهی ارائه شده جهت شناخت و تفکیک این دو از یکدیگر و همچنین، ارزیابی این معیارها توجه شده است. علاوه بر این، معیار و ضابطه مختار برای تشخیص حق الله از حق الناس تقریر گردیده و به مصادیق مهم حق الله محض و حق الناس محض و حقوق مشترک - که دارای هر دو جنبه حق الهی و حق الناسی هستند - اشاره شده است.

گذشته از موارد مذکور، ملاحظه جنبه عمومی جرایم و تأکید بر اصل اولیه در تردید میان حق الله و حق الناس، امکان تجمیع حق الله با حق الناس یا تجمیع حق الله با حقوق عمومی و جرایمی که واجد هیچ‌یک از دو جنبه مزبور نباشند و همین‌طور، بررسی ارتباط این دو تأسیس فقهی با مصادیق جرایم قابل گذشت و جرایم غیرقابل گذشت در قوانین موضوعه ایران از سایر مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌باشد.

کلید واژگان:

حق الله؛ حق الناس؛ حقوق الهی؛ حقوق عمومی؛ حق حکومت؛ احکام سلطانیه؛ جرایم قابل گذشت؛ جرایم

غیر قابل گذشت